

**کتابخوان**
**کتابی برای زنان حماسه آفرین نوغان**
**روایت «ابریشم باف»**

● **فاطمه بختیاری** | «ابریشم باف» اولین کتاب از سه گانه‌ای به همین نام است. این سه گانه آیینی تاریخی درباره حماسه آفرینی زنان نوغان در شهادت هشتمین امام شیعیان است که در هر کتاب خود، از زاویه متفاوتی به این رویداد می‌پردازد.

نخستین کتاب این سه گانه که امسال هم‌زمان با شهادت امام رضا (ع) رونمایی شد، داستان دختری زرتشتی است که به کمک پسر مسلمان از خطری بزرگ در هرات نجات پیدا می‌کند و سرنوشت او را به نوغان می‌کشاند.

نام گذاری این سه گانه با توجه به واژه «نوغان» که به معنای تخم ابریشم و در واقع نقطه آغاز آفرینش ابریشم است، شکل گرفته است.

در این کتاب کوشیده شده تا در پوشش یک درام تاریخی، به معارف رضوی و جامع العلوم بودن حضرت عالم آل محمد (ص) توجه ویژه‌ای شود. این کتاب گرچه به تناسب دوره وقوع داستان، به زبانی فاخر نوشته شده است، اما نویسنده کوشیده است تا کتاب را به فراخور مخاطبان جوان بانگاه‌روایی و کشش‌دار بنویسد. نکته برجسته ابریشم باف، تلفیق اقوام گوناگون ایران از جمله ترک، گیل، پارسیان خراسان بزرگ و... و رویارویی خردمندان آنان با پذیرش دین اسلام در قرن دوم و سوم هجری است.

ویژگی دیگر این کتاب، استفاده از سبک «روایت چند گانه» است که تصویری واقع‌گرایانه‌تر از چندوجهی بودن جهان برای مخاطب رقم می‌زند. لحن‌ها و زاویه‌های نگاه متفاوت هر شخصیت، آینه‌هایی متنوع برای بازتاب گوشه و کنارهای قصه آشکار می‌کنند. در زمان‌هایی که همه رویدادها از دیدگاه یک راوی قابل اعتماد روایت می‌شود، مخاطب از خود می‌پرسد آیا این تمام داستان است؟ حقیقت این است که وجود چندگانگی در دیدگاه‌ها و نسخه‌های روایی متفاوت از رویدادها، مخاطب را به نگرشی وسیع و چندوجهی از جهان اندیشه نویسنده می‌رساند. ابریشم باف از این دست روایت‌های چندوجهی است که از زاویه نگاه یک شیعه ارادتمند به امام، یک دختر زرتشتی و یک سردار سپاه مأمون روایت می‌شود.

در ادبیات آیینی، ابریشم باف نخستین سه گانه (تریلوژی) است که به قلم مشترک دو بانوی نویسنده مشهدهی آزاده آزادنیبا و سیده طیبه سیدی خلق شده است. آزادنیبا پیش از این هفت رمان بلند

«دختر خاک و ارغوان»، «دختر بید و رود»،

«آخال تکه»، «خانم جان میمنت»، «تنهایی

تهانی»، «پاییز در آینه» و «پلاک ۶» و

چندین نمایشنامه اجرا شده را در کارنامه

خود داشته و ابریشم باف هشتمین رمان

بلند اوست که درباره هشتمین امام همام

شیعیان نوشته شده است و از سیدی

نیز سه مجموعه داستان کوتاه

«ساقی»، «شاید پای عشق در

میان باشد» و «گل ابریشم»

به چاپ رسیده است.

نا گفته نماند که

«ابریشم باف» به همت

اداره تبلیغات آستان

قدس رضوی تولید

می‌شود.



آزاده آزادنیبا



عکس آرشیوی است

تحمیل کنی. من از خانه و زندگی و همسرم به خاطر رضای خدا گذشتم تا به مجروحان کمک کنم. آنجا واقعا شرایط سخت جنگی بود و مثل الان امکاناتی وجود نداشت. برای یک تلفن زدن باید کلی در صف تلفن چهارراه رسولی اهواز منتظر می‌ماندیم. تازه تا نوبت که می‌شد یک دفعه حمله هوایی می‌شد و تلفن‌ها را قطع می‌کردند.»

**شما چه نسبتی با هم دارید؟!**

بخشی از خاطرات او به همراهی همسرش در مناطق جنگی برمی‌گردد که بعد از مدتی همراهی‌اش می‌کند. «دو هفته بعد از اینکه من به منطقه رفتم، همسرم هم آمد. او هم از کادر درمانی و پزشک‌یار بود. آن زمان اجازه اینکه امدادگران با همسران خود یک جا باشند را نداشتند. یک روز همسرم آمد دنبالم تا با هم بیرون برویم و چرخ‌های اهواز بزنیم. رستورانی زیر پل اهواز است که خیلی هم معروف است، آنجا برای ناهاارفته بودیم که گشت‌ما را گرفت و به پایگاه بردند که شما چه نسبتی با هم دارید! تا مسئول پایگاه من را دید، شناخت و گفت درست می‌گویند این‌ها با هم زن و شوهر هستند.»

**فکر می‌کرد ماه غسل می‌رویم**

او شش ماه در مناطق جنگی به عنوان امدادگر می‌ماند و تمام سختی‌ها را به جان می‌خرد تا اینکه به دلیل اعلام نیاز نداشتن به امدادگران زن، به خانه‌اش برمی‌گردد و فعالیت‌هایش را از کیلومترها این طرف تر برای رزمندگان ادامه می‌دهد. «شش ماه بعد گفتند دوره شما تمام شده است و دیگر نیازی نیست در منطقه باشید. با همسرم به خانه برگشتیم. اتفاقاً یک خانمی هم در کوچه همراه ما بود که فکر می‌کرد به ماه غسل می‌رویم. از منطقه که برگشتم در کار بسته بندی مواد و جمع‌آوری وسایل برای رزمندگان وارد شدم. این کارها را آن زمان در مسجد محله انجام می‌دادیم و گاهی هم چون دیپلم خیاطی داشتیم در مسجد به خانم‌ها کارهای هنری آموزش می‌دادم.»

**تشویق به ازدواج و فرزندآوری**

جنگ که تمام می‌شود خانم‌زنده‌باد به دنبال فعالیت در جبهه‌ای فرهنگی می‌رود. «آدم‌تازمانی که زنده است باید فعالیت داشته باشد و برای جامعه مفید باشد و گروه‌ای از کارمندان باز کند. بعد از جنگ تا مدت‌ها جلسه‌های دعا و روضه و دوره قرآن برگزار می‌کردیم و از این جلسه‌ها کمک هزینه‌های جهیزیه جمع‌آوری می‌شد. اما یک اتفاق بهتر را من پیگیری می‌کردم و پیگیر تشکیل زندگی و ازدواج‌های ساده و آسان شدم.» خانم‌زنده‌باد در این سال‌ها سعی کرده است فردی مفید در جامعه باشد از فعالیت‌های انقلابی گرفته تا فعالیت‌های فرهنگی. او تا کنون حدود ۲ هزار دختر و پسر را به خانه بخت فرستاده است و بنا بر فرمایش رهبر معظم انقلاب قصد دارد در ادامه مسیر و به همراه دیگر خانم‌های مسجدی و بسیجی فعالیت خود را در عرصه فرزندآوری زوج‌های جوان ادامه دهد.